



تکرار تجربه صدام!

«بخشی از حاکمیت، تحت تأثیر اروپا در پی تکرار تجربه صدام هستند و می خواهند با عمل به نسخه اروپایی ها جلوی برخورد آمریکا با ایران را بگیرند در حالی که اگر این دستورالعمل نتیجه می داد، صدام سقوط نکرده بود... از چهارماه پیش از حمله به عراق، لایه اروپا به ویژه فرانسه و روسیه به عراق اطمینان دادند در صورتی که سلاح های کشتار جمعی خود را نابود کند و کلیه همکاری های لازم را با سازمان ملل داشته باشد، آنها با تصویب قطعنامه برضد عراق مخالفت خواهند کرد و طبیعتاً به عراق حمله نخواهد شد... هم اکنون نیز بنابر اطلاعات ما، لایه اروپا به بخشی از اصلاح طلبان توصیه کرده است در صورتی که مخالفت های آشکاری با محافظه کاران و بنیادگران از درون نظام صورت بگیرد امکان برخورد آمریکا با ایران کاهش خواهد یافت... نامه سرگشاده به رهبری و طرح اصلاح ساختار قانون اساسی اولین گام های این تفریک است... سخن ما با این دوستان این است که اگر می خواهید برای حفظ نظام و جلوگیری از برخورد آمریکا این کار را انجام دهید، بدانید نه تنها اینگونه اقدامات مانع اقدام آمریکا نخواهد شد بلکه بستر و مستندات مناسبی از داخل نظام و اعترافات مقامات رسمی جمهوری اسلامی تلقی خواهد شد که قطعاً در برخورد با ما از آن استفاده خواهند کرد... هرچقدر که صدام از این مذاکرات با واسطه و عمل به توصیه های اروپایی ها نتیجه گرفت، ما هم نتیجه می گیریم و اصولاً در شرایطی که دولت بوش سیاست خارجی شفاف و صریح را برگزیده است، اینگونه اقدامات نتیجه معکوسی برای ما به دنبال خواهد داشت.

البته تحرک و فعالیت دیپلماسی رسمی ما و رایزنی با دیگر کشورها از جمله اروپا می تواند اهرم مناسبی در جهت منافع ملی باشد اما این نوع فعالیت دیپلماتیک با عملکرد مذکور متفاوت است.»

(سایت بازتاب، خرداد ۸۲)

توصیه های تحلیلگر متفقد اصلاحات را به اصلاح طلبان ملاحظه می فرمایید. براساس تحلیل وی: ۱- «علت تهاجم نظامی آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث آن بود که صدام چهارماه پیش از حمله، توصیه های فرانسه و روسیه را جدی تلقی و سلاح های کشتار جمعی خود را نابود کرد و نیز کلیه همکاری های لازم را با سازمان ملل به عمل آورد. آیا نتیجه منطقی این تحلیل غیر از این است که ما نباید این خطا را مرتکب شویم و با سازمان ملل همکاری نکرده و اگر سلاح های کشتار جمعی داریم، آنها را نابود نکنیم؟ لابد در این صورت آمریکا حساب کار خود را می کند و به ایران حمله نخواهد کرد!

۲- ایشان تأکید دارد بنابر اطلاعات «ما(?)»، «لایه اروپا» به «بخشی از اصلاح طلبان(?)» توصیه کرده است، با «بنیادگرایان از درون نظام(?)» مخالفت های آشکار کنند! متأسفانه فرانسه و روسیه از خطاهایشان در عراق درس نگرفته اند و متوجه نشده اند اجرای پیشنهادهای آنها توسط صدام مانع حمله آمریکا به عراق نشد، پس بهتر است اصلاح طلبان، خود از سرنوشت صدام عبرت بگیرند و به توصیه های اروپا گوش ندهند و با محافظه کاران مخالفت آشکار نکنند تا آمریکا به ایران حمله نکند!

۳- به اعتقاد نویسنده اعتراض به رفتار غلط محافظه کاران توسط اصلاح طلبان، اشتباه بزرگی است همچون نابود کردن سلاح های کشتار جمعی توسط صدام و همکاری کامل وی با سازمان ملل. این اعتراض «بستر و مستندات مناسبی از داخل نظام» تلقی خواهد شد که مورد استفاده آمریکا در حمله به ایران قرار خواهد گرفت. حتماً اقدامات غلط مذکور برای سوءاستفاده آمریکا زمینه مناسب فراهم نمی کند! به عبارت دیگر از نظر این نویسنده محترم لزوم ندارد محافظه کاران برای دفع تهدید آمریکا با اصلاح طلبان و نهادهای منتخب مردم همکاری و مثلاً آزادی انتخابات را تضمین کنند و نیز به نتایج انتخابات و برنامه های متخین ملت تن بدهند، یا مانع نقض حقوق شهروندان شوند. چون این اقدامات مانع اجرای تهدید آمریکا نخواهد شد.

۴- به اعتقاد نویسنده: «در شرایطی که بوش سیاست خارجی شفاف و صریحی را برگزیده است، همکاری با سازمان ملل و ... نتیجه معکوس می دهد». ایشان اعلام نکرده است در زمانی که سیاست دولت ایالات متحده غیر شفاف و غیر صریح بود، آیا اعتراض اصلاح طلبان به عملکرد محافظه کاران و بنیادگرایان مثبت بود و نتیجه داشت؟ آیا اعمال غلط محافظه کاران در نقض حقوق شهروندی خاتمه یافت و آنان با نهادهای بین المللی حقوق بشر همکاری لازم را کردند؟

۵- در ادامه مطلب تأکید شده «تحرک و فعالیت دیپلماسی رسمی ما در ایران با اروپا» اهرم مناسبی در جهت منافع ملی ماست. با وجود این نویسنده محترم نگفته است چگونه باید از این اهرم استفاده کرد؟

۶- ظاهراً در کنفرانس آتن «محافظه کاران نوین ایرانی» پیشنهاد همکاری راهبردی (استراتژیک) را با دولت آمریکا مطرح کردند که در آن صورت ایالات متحده در عراق و افغانستان و فلسطین دچار مشکل نخواهد شد، مشروط بر آن که دولت آمریکا بپذیرد ایران آنگونه که محافظه کاران صلاح می دانند، اداره شود. نویسنده محترم بیان نکرده با این پیشنهاد موافق است یا خیر و آیا راه دفع تهدید آمریکا علیه ایران «نرمی در خارج» و «سختی در داخل» است؟

۷- آیا پیش فرض بیان نشده (شاید ناآگاهانه) این توصیه شبیه سازی جمهوری اسلامی با حکومت صدام نیست که از طریق قرارداد «ما» در کنار رژیم دیکتاتور عراق، جلوه گر شده و به این شکل در می آید که: «هر قدر «صدام» از این مذاکرات و عمل به توصیه های اروپایی ها نتیجه گرفت «ما» هم نتیجه می گیریم؟» یعنی آیا تنها درسی که از واقعه اشغال عراق و سقوط دیکتاتوری صدام می توان گرفت این است که نباید «به توصیه های اروپایی ها» عمل کرد و مثلاً به جای آن به توصیه های «دیگر» سایر کشورها چشم دوخت؟

۸- مفهوم سؤال فوق هنگامی روشن تر می شود که واژه «اروپایی ها» را به دولت های اروپایی منحصر نکنیم و جامعه مدنی و از آن جمله سازمان های حقوق بشری اروپا را به همراه توصیه هایشان به صدام در نظر آوریم. عفو بین الملل و دیگر سازمان های حقوق بشری بیش از بیست سال درباره نقض حقوق بشر در نظام بعثی هشدار دادند و «توصیه هایی» داشتند که هرگز مورد توجه صدام و حامیانش واقع نشد. از قضا صدام تا آنجا که به توصیه دولت های اروپایی عمل کرد و سلاح های کشتار جمعی را که کاربرد عملی آنها علیه مردم ایران و نیز مردم به پاخاسته عراق در سال ۹۱ بود، نابود کرد، نتیجه گرفت و در صفوف جنگ افروزان جهان انشقاق به وجود آورد؛ شکافی که حتی در سال ۱۹۹۱ نیز سابقه نداشت. کافی بود صدام گامی فراتر می گذاشت و در زمان مناسب به همه توصیه های مدنی بشریت صلح دوست عمل می کرد. امری که البته تن دادن به آن با ماهیت استبدادی حکومت صدام همخوانی نداشت ولی همانطور که پیشتر آوردم، «جمهوری اسلامی» و «حکومت صدام» همانند نیست.

۹- نکته مثبت مقاله اعتراف نویسنده محترم به دو مسأله زیر است:

اولاً، اصلاح طلبان سروسر با دولت ایالات متحده ندارند. ثانیاً، تلاش اصلاح طلبان معطوف به جلوگیری از تهاجم احتمالی آمریکا به ایران است.